

اصول و فنون پژوهش

احد فرامرزی قراملکی

اصل اول:

«تصور ما از یک فعالیت، روش‌های ما را در خصوص آن، تعیین می‌بخشد». پژوهش مانند سایر حوزه‌های حرفه‌ای، محتاج اصول، مبانی و فنون معینی است. صحت، دقت و اعتبار علمی نتایج تحقیق و کارایی و اثر بخشی آن منوط بر اصول و فنون پژوهش است. در کتاب روش‌شناسی مطالعات دینی، بحث از اصول را به صورت پراکنده و البته ناقص به میان آورده‌ایم. اکنون مجالی است تا به هر یک از اصول راهبردی پژوهش به صورت مستقل توجه کنیم. به یاری خداوند متعال، هر اصلی، طی مقاله‌ای کوتاه و با جهت‌گیری کاربردی ارائه می‌شود و نخستین اصل بر ارتباط تصور فرد از تحقیق و روش‌های او و بالتبع ارتباط تصور محقق از پژوهش و میزان موفقیت وی است. ناظر است.

هدف از این مقالات ارائه اصول و فنون است که کارایی و اثر بخشی تحقیق را افزایش می‌دهد. طرح مسئله

رمز و راز موفقیت افراد در مشاغل چیست؟ چرا فلانی استاد موفق است و آن یکی نه؟ چرا این شخص مدیر موفق است و آن یکی نه؟ چرا فلان پژوهشگر کامروا است و آن دیگر چنین نیست؟ گاهی گفته می‌شود موفقیت مرهون خوش استعدادی و هوش سرشار افراد است، این تبیین روان‌شناختی قابل تأمل است؛ زیرا امروزه بر اساس تحقیقات تجربی نوین هوش شناختی IQ تنها یک درصد در موفقیت افراد بسیار موفق نقش دارد. علاوه بر آن تبیین‌های روان‌شناختی راه‌الگو قرار دادن افراد موفق را می‌بنی‌د.

ممکن است گفته شود، موفقیت در گرو روش‌های شایسته است و البته این تبیین روش‌شناختی درست است و مهم، اما نه کامل؛ زیرا از طرفی موفقیت یک انتخاب است و نه شانس و از طرف دیگر ممکن است از رمز و راز توفیق فرد در برگرفتن روش‌های شایسته نیز سؤال شود. چرا آدم‌های موفق روش‌های شایسته را بر می‌گزینند؟ به عنوان مثال، در حوزه مدیریت غالب مدیران بر ضرورت اعتماد آفرینی واقفند و برای ایجاد اعتماد محیط نسبت به سازمان، هزینه‌های زیادی می‌کنند؛ اما چرا غالباً ناکام هستند؟ اگر گفته شود: آن‌ها بر روش ایجاد اعتماد واقف نیستند، می‌توان پرسید چرا مدیران از برگرفتن روش‌های درست اعتماد آفرینی ناکامند؟

تبیین شناخت گرایانه از موفقیت و ناکامی، به ذهنیت و تصور فرد از فعالیت اشاره می‌کند. انسان‌ها بر حسب تصویری که از یک فعالیت دارند، روش‌ها و ابزارها را تعریف کرده و آن‌ها را بر می‌گزینند. اگر مدیری در اخذ روش‌های اعتماد آفرینی ناموفق است، عمدتاً به علت آن است که تصویری نارسا از اعتماد آفرینی دارد. تصور ناقص از یک فعالیت. موجب بر گرفتن ابزارهای ناشایست است. این اصل که به ظاهر بدیهی و بی‌نیاز از توضیح است، غالباً در فعالیت‌های حرفه‌ای به ویژه در برنامه‌های آموزشی، تبلیغی و پژوهشی سخت مورد غفلت واقع می‌شود. موفقیت در روش و انجام آن -----> تصور کامل و دقیق از یک فعالیت توجه به این اصل و نقد تصور خویش از ارزش داوری و اظهار نظر فرد از قضاوت‌های خصمانه ناشی از جهل الناس اعداء لما جهلوا باز می‌دارد. به عنوان مثال، به محض شنیدن امری جدید، مانند اخلاق حرفه‌ای، به رد و طرد آن پردازیم، بلکه ابتدا بپرسیم من چه تصویری از اخلاق حرفه‌ای دارم؟ آیا خصومت و انکار من ناشی از جهل و فقدان تصور دقیق و کامل از آن است؟ بر اساس این اصل موفقیت محقق در مقام تحقیق منوط به تصویر دقیق و کامل وی از پژوهش و فعالیت‌های مربوط به آن است.

تصور _____ از پژوهش در غالب کارگاه‌های روش تحقیق، پس از توضیح این اصل از شرکت کنندگان می‌خواستم تا تصور خود را از پژوهش ترسیم کنند. آن‌ها بلافاصله به نوشتن تعریف خویش از پژوهش می‌پرداختند و چون یادآور می‌شدم که از این اصل به ظاهر روشن غافل شده‌اند، انگشت تعجب به دهان می‌گزیدند؛ زیرا عمل تعریف یکی از فعالیت‌های پژوهشی است و هر کسی بر اساس تصویری که از این عمل (تعریف) دارد، امور را تعریف می‌کند و بر اساس اصل یادشده، قبل از ارائه تعریف پژوهش، باید بپرسیم تصور ما از تعریف چیست؟ آیا با تعریف بر آن هستیم ماهیت شیء را بشناسیم یا آن را از هر چه غیر او است متمایز سازیم و یا صرفاً به تمایز آن از امور مشابه و مشتبه توجه داریم؟ بر حسب انگاره‌ای که از تعریف داریم به تعریف می‌پردازیم. هم‌چنین است مقام استدلال، یکی از عوامل مهم قوت و ضعف ادله، تصویر کامل و یا ناقص استدلال کننده از استدلال است. اگر کسی نقد را همان رد و افشاگری جنبه‌های منفی تلقی کند، بر حسب همین تلقی از سنجش و بیان بی‌طرفانه ضعیف‌ها و قوت‌ها ناکام می‌ماند. براساس اصل یاد شده، پیش از پژوهش، باید تصور خود را از آن نقادی کنیم. وقتی در تحقیق مسئله‌ای بر آن هستیم تا مطالعه تاریخی یا تطبیقی را اخذ کنیم، ابتدا باید تصور خود را از مطالعه

تطبیقی یا مطالعه تاریخی مورد بررسی قرار دهیم. کسانی که مطالعه تطبیقی را به معنای انطباق چیزی بر چیزی می‌انگارند؛ البته آن‌ها در این مطالعه، از مشابهت‌ها خواهند پرسید و کسانی که مطالعه تطبیقی را به معنای کشف اختلاف‌ها می‌دانند، در مطالعه خویش در پی خلاف‌ها خواهند بود. کسانی تطبیق را هدف می‌انگارند و کسانی دیگر، آن را صرفاً ابزار فهم عمیق‌تر مسئله می‌دانند. با تأمل بر اصل یادشده، ناکامی بسیاری از تحقیقات رایج در پایان نامه‌های تحصیلی در مقاطع مختلف تبیین‌پذیر می‌شود. محقق ادعای بررسی سیمانتیکی دارد؛ اما در تحقیق وی چنین مطالعه‌ای دیده نمی‌شود. در این مقام بیش از هر امری تصور محقق از آنچه ادعا کرده، محل تأمل و نقد است. اصل تعین بخشی تصور ما از یک رفتار، نسبت به روش‌ها و ابزارها اقتضا می‌کند تا پرسیم پژوهش چیست؟ با آموزش، تبلیغ و اطلاع رسانی چه تمایزی دارد؟ گاهی واژه تحقیق و مطالعه را به معنای بسیار فراگیر و عام به کار می‌بریم و هر گونه مطالعه و نگارش را تحقیق می‌انگاریم و گاهی با عنایت به تمایز برنامه پژوهشی از برنامه‌های آموزشی، اطلاع رسانی و ترویج و تبلیغ، از هویت پژوهش می‌پرسیم. فرایند پژوهش را باید به گونه‌ای تصور کرد که آن را از فرایندهای دیگر، چون تفکر، آموزش و اطلاع رسانی بازشناخت. به عنوان مثال، بین کار جادوگران و طالع بینان با فعالیت پژوهشگران چه تفاوتی است؟ آن‌ها هم به موضوع عینی می‌پردازند و در جست‌وجوی طریقی برای تاثیر بر واقعیت‌اند و می‌خواهند واقعیت را هدایت کنند و بر آن حاکم باشند، کسب اقتدار کنند و در نهایت هم به نظام معرفت گونه می‌رسند. پس تفاوت در چیست؟ اگر کسی از پژوهش تصور فرایند محوری داشته باشد، نسبت به کسی که فاقد این تصور است، از موفقیت بیشتری در تحقیق می‌تواند برخوردار باشد. اگر محقق تصور مسئله محورانه از پژوهش داشته باشد، نسبت به فردی که آن را موضوع محور تلقی می‌کند، کام رواتر است. اگر کسی نوآوری را از مقومات پژوهش تلقی کند، به تحقیق با موازین علمی و جهانی نزدیک‌تر می‌گردد. فصل نخست روش‌شناسی مطالعات دینی به شما کمک می‌کند تا تصور خویش از پژوهش را نقد کنید و برای ارزیابی تلقی خود از فعالیت‌های مربوط به پژوهش، از دیگر فصل‌های آن می‌توانید بهره‌مند شوید.

بر حسب اصل یاد شده، نقد و ارزیابی تصور ما از پژوهش و همه فعالیت‌های آن، اولویت پیدا می‌کند. در این ارزیابی باید مشخص کنیم که تا چه اندازه‌ای تصور کامل و دقیق داریم و تا چه اندازه‌ای با تصور تحویلی نگرانه، ناقص و وارونه به انجام یک فعالیت اقدام می‌کنیم.

تعریف پژوهش

پژوهش در درجه اول یک فرایند دارای سامان و نظام است که مراحل مختلف و به هم پیوسته‌ای دارد. موفقیت در هر مرحله، منوط به موفقیت در مرحله پیشین است. مهم‌ترین خصلت این فرایند، زیایی، باروری و تولید است. پژوهش فرایندی است که به نوآوری می‌انجامد. ملاک نوآوری، گستره و شاخه‌ای از علوم است که پژوهش به آن متعلق می‌باشد. بنابراین، تصور نگارنده از پژوهش چنین است:

«پژوهش، پردازش اطلاعات است، با فرایند نظام‌مند، متعلق به گستره خاصی از علوم، دارای هویت جمع‌جمعی و متضاد من‌نوآوری» (۱)

پیش‌نوشت:

۱. روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۲۵

منابع:

مجله پژوهش و حوزه ۱۳۸۳ شماره ۱۵